



چرا غیر حرفه‌ای‌ها برای ما تصمیم می‌گیرند؟

محمد قسیم عثمانی

سهام با وضعیت سودآوری شرکت‌ها اظهار نظری ضمنی انجام دهد تا در آینده بتوان به‌عنوان ابزار دفاع از عملکرد حسابرسان مستقل از آن استفاده شود.

مشکلی که الان متوجه حرفه ۲ است فقدان یک نهاد ناظر واحد و مستقل است. سازمان حسابرسی که متولی حسابرسی اکثر شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسات دولتی و برخی از نهادهای غیر دولتی است، سیستم نظارتی خاص خود را دارد و جامعه‌ی حسابداران رسمی نیز یک نهاد نظارتی داخلی و خودانتظام دارد و برخی نظارت‌های سلیقه‌ای هم توسط بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار انجام می‌شود که این تعدد و عدم تمرکز نظارت، مشکلی از حرفه حل ننموده و وجود این نظارت‌ها و نهادهای ناظر نتوانسته است به‌عنوان یک ابزار حمایتی و یک سپر دفاعی از حرفه‌ی حسابرسی

بروز هر اتفاقی باید به‌دنبال وجود یک نهاد ناظر قوی، مستقل و قانونی باشد تا اتفاقات آنی در حوزه‌ی اقتصادی و بازار سرمایه دامن حرفه‌ی حسابرسی را نگیرد و علاج واقعه را قبل از وقوع انجام داد.

شکی نیست که بازار سرمایه‌ای که بی‌اعتنا به صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابرسی است، روزی به‌هم می‌ریزد و آن‌گاه هیچ‌کس نیست که این بی‌اعتنایی فعلی را به یاد آورد و همه‌ی کاسه کوزه‌ها بر سر حسابرسان خواهد شکست از این رو باید برای صیانت از حرفه یک نهاد ناظر قانونی مستقل تدبیر شود تا هم اطمینان‌بخشی گزارش‌های حسابرسی را تقویت بخشد و هم در زمان‌های بحران، از آن به‌عنوان سپر دفاعی برای حسابرسان استفاده نکرد.

حتی به نظر بنده باید تدبیری در تدوین استانداردها صورت گیرد تا حسابرس نسبت به عدم تناسب قیمت

حسابرسی مستقل به‌عنوان یک مکانیسم رسمی برای اطمینان‌بخشی صورت‌های مالی مورد پذیرش عموم قرار گرفته است اما این مکانیسم باید به‌نحوی عمل کند که این نقش در گذر زمان و در شرایط مختلف اقتصادی و سیاسی کم‌رنگ نشود. اگر رسوایی‌های مالی ابتدای قرن مثل انرون و وردکام و غیره را در نظر بیاوریم در می‌یابیم که حرفه‌ی حسابرسی دیوارش کوتاه‌تر از جاهای دیگر است و به‌راحتی بحران‌های مالی و اقتصادی خصوصاً در حوزه‌ی بازار سرمایه را به حرفه‌ی حسابرسی نسبت می‌دهند که این اتفاق در ایران ما کار ساده‌تری هم هست.

لذا به نظر می‌رسد حرفه‌ی حسابرسی به‌عنوان متقاضی نظارت و به منظور حراست از جایگاه و نقش خود، قبل از



و حسابرسان، عمل نماید.

بخشی از ایراداتی که نظارت فعلی حرفه را نشانه می‌رود دور تسلسلی است که در انتخاب شورای عالی جامعه و انتخاب هیأت نظارت صورت می‌گیرد و در مورد هیأت عالی نظارت سازمان حسابرسی نیز هر چند از سه قوه‌ی مختلف اعضای هیأت انتخاب و معرفی می‌شوند اما حقوق و مزایای این اعضا توسط سازمان پرداخت می‌شود و کارکنان هیأت عالی نظارت در استخدام سازمان حسابرسی هستند.

به نظر بنده باید از الگوی تجربه شده‌ی کشورهای موفق استفاده کرد و با تجمع و تمرکز نظارت و اعطای قدرت قانونی و حاکمیتی به آن، برای حرفه‌ی حسابرسی یک دژ محکم دفاعی ایجاد کرد و با اعمال قانون بتوان حسابرسان خوب و قوی را از حسابرسان ضعیف تشخیص داده و بر اساس نظارت یک نهاد ناظر مستقل، یک نظام رتبه‌بندی دقیق و شفاف را اجرایی کرد.

ناگفته نماند که بخشی از مشکلات موجود ناشی از فضای عمومی و اقتصادی کشور است. گاهی می‌بینیم که مدیر عامل و اعضای هیأت‌مدیره‌ی

یک شرکت بزرگ را کسانی تشکیل می‌دهند که هیچ دانش و تخصصی در حوزه‌ی مربوطه ندارند و بازماندگان سیاسی جریان سیاسی غیر غالب عمدتاً در هیأت‌مدیره‌ها و جاهای مشابه دوره‌ی نقاقت خود را می‌گذرانند که این مشکلات در فضای اقتصادی و بنگاه‌های اقتصادی مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده است که خواسته یا ناخواسته دامن حسابرسان را نیز می‌گیرد.

آنچه گفتنی است اینست که ساختار فعلی حرفه‌ی حسابرسی کشور اشکال جدی و قابل ملاحظه‌ای ندارد اما می‌توان ساختار فعلی را بهبود بخشید و آن را بهینه کرد ولی در همین شکل فعلی نیز، ساختار حرفه‌ی حسابرسی نسبت به اکثریت ساختارهای موجود اقتصادی و غیر اقتصادی کشور، جزو بهترین‌هاست و نسبت به بقیه می‌توان گفت بی‌اشکال است.

تعجب این جاست که با این همه مشکلات و وظایف معلق و معوق دولت و مجلس، این دو نهاد انگار همه‌ی مشکلات کشور را رفع نموده‌اند و تنها کار بر زمین‌مانده همین ساختار

حسابرسی کشور است!

به نظر بنده دولت و مجلس در رقابت با هم دچار دستپاچگی در برخورد با این موضوع شده‌اند و نه لایحه‌ی دولت و نه طرح برخی از نمایندگان مجلس، کار جامع و مثبتی نیست و اگر وضع فعلی را از سامان موجود ساقط نکند، سامانی به آن نمی‌بخشد.

جامعه‌ی حسابداران رسمی کشور نهاد نوپایی است که

دوران گذار خود را طی می‌کند و استحکام و انسجام آن نیاز به زمان بیش‌تر دارد. تا این نقطه نیز جامعه سریع‌تر از انتظار حرکت نموده و به نظر بنده از زمان جلو است.

به نظر می‌رسد برای رفع اشکالات احتمالی موجود نیاز به این نیست که این نهاد کوبیده شود و از نو بنای جدیدی را ایجاد نمود. این نهاد و اصولاً ساختار حسابرسی کشور به اصلاح نیاز دارد نه به انقلاب در حالیکه طرح مجلس این بنای جدید و تازه تأسیسی است که در هیچ جای دنیا این ساختار پیشنهادی تجربه نشده است و این طرح

نو، برای برهم زدن سامان موجود کفایت می‌کند ولی برای سامان‌بخشی بیش‌تر، پیشنهادی ناکافی و ناپخته است.

۵ از تکالیف مجمع سازمان حسابرسی به هیأت عامل این سازمان، پیشنهاد طرح نهاد ناظر بوده اما وزارت اقتصاد خود رأساً از طریق معاونت اقتصادی پیشنهادی غیر کارشناسی تهیه و با تشکیل یک تیم غیر حرفه‌ای که بنده در آخرین جلسه آن حضور داشتم، پیش‌نویس لایحه‌ی نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی را برای تصویب، به دولت فرستادند و دولت نیز در اقدامی عجیب تر آن را به کمیسیون اجتماعی خود ارجاع نموده که قاعدتاً به این دولت نخواهد رسید.

به‌نظر بنده نه سازمان و نه جامعه به تنهایی نمی‌توانند چنین طرحی را آماده کنند بلکه در اثر تعامل و تضارب افکار سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی است که میتوان به نتیجه مطلوب و یک طرح جامع و مانع دست یافت. سؤالی که مطرح است این است که چرا غیر حرفه‌ای‌ها برای حرفه‌ی ما تصمیم می‌گیرند؟

به نظر بنده باید ایراد را در خودمان جست‌وجو کنیم نه دیگران و هر اتفاق بدی بیفتد مقصر بزرگان حرفه در سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی هستند. به نظر بنده باید این دو به‌جای نفی همدیگر و مقابله پیدا و پنهان، با تعامل و نگاه حرفه‌ای باعث

هم افزایی شده و با استفاده از تجربه و عقلانیت پیشکسوتان علمی و حرفه‌ای، مسیر صحیح‌تری را در پیش گرفته و به حرفه و شاغلان در آن، ارزش بیش‌تری ببخشند و همگان را متوجه نقش شایسته و بایسته حسابرسی در کشور نمایند.

جالب این‌ست که دیوان محاسبات که نهاد نظارتی خود مجلس شورای اسلامی است هیچ ناظر مستقلی ندارد و هیچ کس در این آشفتگی بازار طرح و لایحه نیز، حرفی از این نقیصه به میان نمی‌آورد!

به امید روزی که جامعه‌ی ما به اهمیت حسابرسی واقف گردد و همه‌ی ما حسابرسان نیز قدر همدیگر را به‌طور شایسته بدانیم. ■

کارآمدسازی در داشته‌ها

نتیجه بخش‌تر از ایجاد

نهادی ناشناخته

با چشم‌اندازی مبهم است

لطفعلی لطفعلیان صارمی

تجربه نشان داده است که بازنگری در داشته‌ها و زدودن عوامل کارآمدی در جهت توانمند کردن و چابک‌سازی آن‌ها با توجه به ویژگی‌های کشور، آسان‌تر و نتیجه بخش‌تر و سهل‌الوصول‌تر از ایجاد نهادی ناشناخته با چشم‌اندازی مبهم است. ■

رسمی ایران، آسیب‌شناسی مؤثر صورت می‌گرفت تا مشخص شود ظرف این مدت به چه میزان از اهداف دست یافته‌اند و در چه مواردی با مشکل یا مشکلات مواجه‌اند و متناسب با نیازهای روز، شرایط، الزامات و ... مقررات مربوط، به‌روز رسانی مقرراتی شود.

به نظر می‌رسد پیش‌نویس طرح و لایحه‌ی مدنظر، ناظر به رفع مشکلات حرفه‌ی حسابرسی در دستیابی به اهداف تشکیل، تهیه نشده است. زیرا براساس قاعده می‌بایست با توجه به تجربه‌ی بیش از سه دهه فعالیت سازمان حسابرسی و دو دهه فعالیت جامعه‌ی حسابداران